

گفت و گوی خراسان پا سرمربی تیم ملی کشتی فرنگی

محمد بنا: مدال آوری در المپیک دست کم ۱۰۰۰ سکه پاداشی دارد

دولت قبل بیشتر به ورزش توجه می کرد

مشکلات اقتصادی به حدی نیست که نشود ۴ فدراسیون المپیکی را حمایت کرد

سرم را هم بشکنند در آستانه المپیک قهر نمی کنم

اِستارا اصلائی

۱۲سالی است که با کشتی ازادواج کرده، ۲۴سال تمام زحمت کشیده تا تبدیل شده به محمد بنا. می داند که در کارش به هیچ عنوان آدم کوچکی نیست. قبول دارد تفکر آتش جاه‌طلبانه است اما تاکید می کند این کشتی فرنگی ایران یک نکته را هم در لافافه گوشزد می کند: «یادتان باشد تعامل با مسئولان فدراسیون در جریان هر مرحله نهایی انتخابی حساس می شود.» او اما در مصاحبه نهایی با خراسان تاکید می کند شرایط تیمش در سال قبل از المپیک شرایط دلخواهی نیست. محمد بنا فراهم نشدن امکانات کامل برای فدراسیون‌های المپیکی را خنده‌دار می داند و معتقد است اگر قرار نیست به ورزشکاران المپیکی رسیدگی شود، اصلا پتراس پاداشی هم داده نشود.

■ **۱۲ سال است با کشتی ازدواج کرد**

از او یک شروع متفاوت می‌خواهیم. بنا هم که استاد تفاوت‌افرنی است، خوب از پس این شروع برمی‌آید. حاشیه‌ها و متفاوت و انصاف‌جانب تا بگوید: «چندی پیش از یکی از برنامه‌های پربیننده تلویزیونی پیش من آمدند و گفتند می‌خواهیم راجع به ازدواج با شما صحبت کنیم. مصاحبه کننده گفت از خواستگاری‌تان شروع کنیم. مراسم خواستگاری شما با همرتان چطور بود؟ در جواب گفتم والا من خارج کشور ازدواج کردم و اصلا مراسم خواستگاری نداشتم. مصاحبه‌کننده گفت: این را نمی‌توانیم پخش کنیم. مصاحبه کننده این بار گفت خب از زندگی مشترک‌تان صحبت کنید که من در جواب گفتم طلاق گرفتم. مصاحبه‌کننده به جوانان کشورش دارد: «زدواج کردن که نمی‌توانیم پخش کنیم. در جوش گفتم هنر است برویم سراغ یک سوال دیگر مثل نصیحت به جوانان…»می‌خندد صحبت‌های آقای خاص به این بخش که می‌رسد، به شوخی او می‌گوییم با این خاطره‌ای که تعریف کردید، اگر قرار باشد نصیحتی به جوانان ایرانی داشته باشید، شاید باید منتظر باشیم که بگویید جوانان ازدواج نکنند. اما بنا توصیه دیگری به جوانان کشورش دارد: «زدواج کردن واجب است.» او سپس ادامه می‌دهد: «هن اشتباه کردم که خارج کشور ازدواج کردم. ازدواج خارج از کشور داشتن با ۲ خلم، یکی املانی و دیگری از اسپانیا. اما فقط از همسر سابقم که از املی اسپانیا بود، یک فرزند دارم. در نه‌های جدا شدم و ۱۲ سالی هست که با کشتی ازدواج کرده‌ام.»

■ **در کارم آدم کوچکی نیستم**
محمد بنا وقتی می‌گوید ۱۲ سال تمام است که با کشتی ازدواج کرده، اصلا بی‌راه نگفته است. تمام وجودش وقت کشتی است. تمرینات شاگردانش را ریز به ریز و فرد و به فرد چک می‌کند. مثل عقاب بالای سر شاگردانش است. طوری آن‌ها را زیر نظر می‌گیرد که انکار خودش درحال کشتی گرفتن است. با آن‌ها خیز برمی‌دارد، غلت می‌خورد و سطح‌اش را به اندازه شاگرداش پایین می‌آورد تا درنه‌ایست به ایراد کارشان می‌رسد و رغ‌اش می‌کند. کاری که کمتر مرسی‌ای در حین تمرین انجام می‌دهد. خودش می‌گوید: «کار مربی‌گری بر از راز و رمز است. در همه دنیا خیلی‌ها کار مربی‌گری می‌کنند ولی قرار نیست که همه فاکتورهای لازم را برای تبدیل شدن به یک مربی بزرگ داشته باشند. من نمی‌گویم آدم بزرگی هستم اما در کارم آدم کوچکی نیستم. این هم نیازمند وقت گذاشتن است.»

■ **می‌خواهم از خودم خاطره خوشی به جای بگذارم**
«کار و زندگی من شده، کشتی، همیشه به شاگردانم می‌گویم تاریخ به‌خودی خود ساخته نمی‌شود. این انسان‌ها هستند که تاریخ را می‌سازند. پس چقدر زیباست که انسان حتی برای دنیای کوچکی مثل خانواده خصوصی‌اش هم یک تاریخ زیبا بسازد. حالا هر چقدر که دنیای آدم‌ها بزرگ‌تر می‌شود مسئولیت‌شان هم بیشتر می‌شود. من نمی‌خواهم در هر پست و مقامی که هستم، بانتم صرفا برای این که

باشم. چون چنین افرادی خیلی زود در کارشان می‌آیند و می‌روند اما من می‌خواهم کاری کنم که وقتی رفتن، برای کسانی که با من بودند و زندگی کردند، از خودم یک خاطره خوش برجای بگذارم.»

■ **آرزو داشتم تیم ملی قبل از سال ۲۰۰۳ دست من بود**

«آرزو داشتم تیم ملی کشتی فرنگی قبل از سال ۲۰۰۳ دست من باشد. تیمی که در آن افرادی چون اشکانی، پرویز زیدوند، حسن رنگرز، مسعود هاشم‌زاده، علی غریبی و بهروز جمشیدی حضور داشتند و تک به‌تک‌شان یک دنیا استعداد بودند. قبل از این‌ها هم خیلی‌ها بودند. تمام مربیان آن‌ها زحمت کشیدند و آن کشتی‌گیران هم استعداد داشتند، اما چرا به آن‌چه باید در کشتی می‌رسیدند، نرسیدند؟ چرا کشتی‌گیران امروز به آن‌چه باید می‌رسند؟ خب یک علتی در آن نهفته است، شما به هیچ‌عنوان نمی‌توانید قاسم رضایی را از نظر قدرت جسمانی و کار تکنیکی با مسعود هاشم‌زاده مقایسه کنید. اما مسعود هاشم‌زاده نمی‌تواند مدال بگیرد ولی قاسم رضایی به طلای المپیک می‌رسد. آن موقع قاسم مربی بوده، هم کشتی‌گیر مستعد و هم این خانه کشتی اما خبری از مدال نبود، پس یک چیزی در این بین فرق کرد. من اجازه نمی‌دهم نکات ریز از دستم در برود.»

■ **۱۳ال زحمت کشیدم تا شدم محمد بنا**

اما این که محمد بنا رمز موفقیتش را در چه می‌داند، سوالی است که او در چند جمله به آن پاسخ می‌دهد: «هر موفقیتیم را در پشتکارم می‌بینم. همه‌چیزم کشتی است. هیچ‌چیز را

بالتر از کشتی نداشتم. چون به فکری که داشتم ایمان و اعتقاد داشتم. روز اولی که آمدم، همه شاگردانم گفت می‌توانیم مثل روس‌ها باشیم. می‌توانیم قهرمان المپیک شویم، ولی برای انجام این کار گذشت لازم است. من این گذشت

و زندگی‌ام را روی وقت و گذاشتم و نتیجه‌اش را هم گرفتم. خودم الان محمد بنا هستم که شما می‌آید و به عنوان فردی که می‌شود با او مصاحبه کرد، با من مصاحبه می‌کنید. مردم هم دوستم دارند. پس این نشان می‌دهد که طی این ۱۲سال جواب مثبتی از وقت گذاشتن روی کشتی گرفتم. همه مربیان هم می‌توانند این کار را انجام دهند.»

■ **فکر نمی‌کنم آن چنان هم خاص باشم**
همین از خودگذشتگی‌ها بود که باعث شد از محمد بنا یک آملی خاص متمایز برای کشتی فرنگی ایران ساخته شود. خودش اما می‌گوید: «عطای لقب آقای خاص به من کار هادی عامل(گزارشگر با سابقه کشتی) بود. فکر نمی‌کنم آن چنان هم خاص باشم. بالاخره این لقبی است که به من نسبت داده‌اند دیگر.» اما این که از نظر بنا، از خاص‌تر به است یا خوزه مورینیو سرمربی اسبق چلسی، سوالی است که یک جواب خاص دارد: «خوزه مورینیو برای خودش خاص است و من برای ایران خاص هستم.» بنا ادامه می‌دهد: «مثلا آن زمان‌ها که روزهای اوج شهرت مالدینی بود، ما هم یک مالدینی ایرانی داشتم به اسم رضا شاهرودی. هر ورزشکار معروف خارجی، یک مشابه ایرانی هم داشت. حالا آقای خاص خارجی خوزه مورینیوست و ایرانی‌اش هم محمد بنا»

■ **پرونده قهرمانی آسیا پایگانی شد**
مسابقات قهرمانی آسیایی درحالی با قهرمانی فرنگی کاران ایران به اتمام رسید که بنا پرونده این رقابت‌ها را مختومه می‌داند: «مسابقات قهرمانی که در سال قبل از المپیک برگزار می‌شود، صرفا برایمان یک مسابقه قهرمانی آسیاست و پس- چون هدف بزرگ‌تری داریم-پرونده این رقابت‌ها را پایگانی می‌کنیم و در ویرتین افتخاراتمان می‌گذاریم. الان رامان را برای المپیک شروع کرده‌ایم و در حال ادامه دادن هستیم.»

■ **شرایط برای المپیک چیزی نیست که بخواهم باشد**

«سابقات گزینشی قزاقستان(۲۷ اسفند)، مهم‌ترین مسابقه پیش‌رویمان طی این ۵ ماه است. مسابقات روز اول با کشتی

حمید سوریان شروع خواهد شد که اتفاق خوبی است. چون

پیروزی او می‌تواند به ۲ کشتی‌گیر دیگر روحیه دهد. ان شاء… ۳ سهمیه باقی مانده را در قزاقستان می‌گیریم و برمی‌گردیم. بعد از آن، مسابقات جام‌جهانی(به میزبانی شیراز) را در پیش داریم و بعد هم المپیک. در حال حاضر سعی می‌کنیم شرایط را برای بچه‌ها خوب نشان دهیم اما شرایط برای المپیک

آن چیزی که دلمان می‌خواهد نیست.»

■ **دولت قبل بیشتر به ورزش توجه می‌کرد**

«شرایطی که تیم ملی کشتی فرنگی قبل از شروع المپیک ۲۰۱۲ داشت، شرایط کاملی نبود اما باز خیلی بهتر از شرایط فعلی بود. چون اهمیتی که دولت آن زمان به ورزش می‌داد، خیلی بیشتر از حالا بود. البته می‌دانم یک‌سری مشکلات اقتصادی در کشور وجود دارد که ادیت‌کننده است. دولت اما چرا به آن‌چه باید در کشتی می‌رسیدند، نرسیدند؟ چرا کشتی‌گیران امروز به آن‌چه باید می‌رسند؟ خب یک علتی در آن نهفته است، شما به هیچ‌عنوان نمی‌توانید قاسم رضایی را از نظر قدرت جسمانی و کار تکنیکی با مسعود هاشم‌زاده مقایسه کنید. اما مسعود هاشم‌زاده نمی‌تواند مدال بگیرد ولی قاسم رضایی به طلای المپیک می‌رسد. آن موقع قاسم مربی بوده، هم کشتی‌گیر مستعد و هم این خانه کشتی اما خبری از مدال نبود، پس یک چیزی در این بین فرق کرد. من اجازه نمی‌دهم نکات ریز از دستم در برود.»

■ **آقای دولت جایزه ۳۰۰۰ سکه را بیشتر کن**

«حیلی خنده‌دار است که امکانات کامل را در اختیار فدراسیون‌ها قرار نمی‌دهند. این عدم رسیدگی باعث می‌شود از نظر روحی، شرایط ورزش کشورت افت کند. بعد هم خودت می‌گویی که از نظر مدالی ۴/۵ الی ۵ مدال حاکثر در المپیک می‌گیری. آقای دولت، اگر شما فکر می‌کنی حاکثر ۵ مدال در المپیک می‌گیریم، حداقل بیا و جایزه ۳۰۰ سکه‌ای که برای مدال‌آوران المپیک در نظر گرفته‌ای را بیشتر کن. من آدم مادی‌ای نیستم و راجع به خودم حرف نمی‌زنم. من دارم راجع به یک نگاه فشنگت‌تر به ورزش حرف می‌زنم. نگاهی که می‌تواند تسویقی بوده و تاثیر مثبتی در پیشبرد اهداف المپیک داشته باشد. فکر نمی‌کنم جوانری که برای مدال‌آوران المپیک در نظر گرفته‌اند، کارشناسی شده باشند. از طرفی وقتی شما امکانات المپیک را فراهم نکرده‌ای و شرایط هم خوب نیست، اگر ۳۰۰ سکه هم به عنوان پاداش در نظر بگیرری، اتفاقی نمی‌افتد چون وقتی کسی نمی‌تواند مدال بگیرد، این ۳۰۰ سکه را به چه کسی می‌خواهی بدهی؟ پس چه بهتر است هزینه این جوایز را تا قبل از شروع المپیک صرف تهیه امکانات برای ورزشکاران کنی. حال این هزینه می‌شود ۳۰ میلیارد یا ۱۰۰ میلیارد. چه اشکالی دارد؟»

■ **پاداش ندهیم بهتر است**

«من نمی‌گویم بیا و فقط برای کشتی فرنگی یا آزاد هزینه کن. ما الان در بین زنان المپیک‌مان افرادی داریم که شانس مدال‌آوری‌شان در ریزو یاد است. مثل الهه احمدی که شانس مدال‌آوری‌اش در ریزو خیلی زیاد است. او در المپیک قبل می‌تواند مدال بگیرد. اما این که از نظر بنا، از خاص‌تر به است. ششم مدال المپیک را بگیرد و فقط نیازمند توجه است. نهمه خدمتی هم همین‌طور. الان توجه خاصی به لیلا رجبی نمی‌شود و همین مسئله باعث افت رکوردهای او شده اگر قرار نیست به این مسائل توجه کنیم بهتر است پاداش زمان‌ها که روزهای اوج شهرت مالدینی بود، ما هم یک مالدینی ایرانی داشتم به اسم رضا شاهرودی. هر ورزشکار معروف خارجی، یک مشابه ایرانی هم داشت. حالا آقای خاص خارجی خوزه مورینیوست و ایرانی‌اش هم محمد بنا»

■ **مشکلات اقتصادی در حدی نیست که نشود ۴ فدراسیون المپیکی را حمایت کرد**

«قبول دارم که دولت قبل شرایط اقتصادی بهتری داشت. ما همه جوره نوکر دولت بودم و مردم هستند اما من می‌گویم هر کاری یک استانداردی دارد. اوج ورزش دنیا، المپیک است که ۴ سال یکبار برگزار می‌شود. پس اگر ما جلوی برخی هزینه‌ها را بگیریم و به جای آن برای المپیک خوب جهانی اصلا من طوری نرفتم که شرایط به‌هم ریخته شود. مربیان را گذاشتم ماندند و به کشتی‌گیرانم هم گفتم بمانند. ما که رفتیم اوضاع به‌هم ریخت و همه کاسه‌کوزه‌ها را سر من خراب کردند طوری که تا یک سال کسی جرأت نداشت اسام مرا به زبان بیاورد. مرا به عنوان خاکنی جلوه دادند که

گذشته از مشکلات اقتصادی، محمد بنا همیشه تاکید داشت برای کسب موفقیت نیازمند داشتن اختیارات تام است. این‌که در فدراسیون رسول خادم چقدر دست او باز است، سوالی است که در پاسخ به آن می‌گوید: «قدیم‌ترا اختیاراتم یک مقداری تاتم‌تر بود.(می‌خندد) ولی الان دیگر این‌طور نیست. ما یک شورای فنی داریم متشکل از ۷،۶ نفر از بزرگان کشتی کشور که درکنارشان رئیس فدراسیون هم هست و ما باید به این‌ها جواب‌گو باشیم. یک وقتی بود که من می‌گفتم می‌خواهم فلان کشتی‌گیر به مسابقات جهانی برود. حرفم همان بود و بس. الا الان دیگر نمی‌توانم این را بگویم. باید بروم و به شورای فنی توضیح بدهم به چه دلیل می‌خواهم فلان کشتی‌گیر به فلان مسابقه برود. اگر آن‌ها قانع شوند و در شرایط حساس المپیکی برای مسائل فرآیند انتخابی تبصره قائل شوند، آن وقت با درخواست من موافقت می‌کنند.

■ **خادم برخی مواقع اعمال نفوذ می‌کند**

وقتی به بنا می‌گوییم به نظر شما شورای فنی کشتی فرنگی صلاحیت لازم برای تشخیص مسائل را دارد، می‌گوید: «شورای فنی متشکل از افرادی است که یک زمانی سرمربی خود من بودند. افرادی چون ملاقاسمی، هوری و علی‌آبادی. برخی از اعضای شورای فنی هم که هم‌دوره‌های من در تیم ملی بودند مثل مشتاقی، دلیریان، لرستانی، این‌ها بدون تعارف افراد منطقی هستند.» اما این که آیا نظرات رسول خادم غالب بر منطق شورای فنی هست یا خیر، سوالی است که بنا در پاسخ به آن با خنده می‌گوید: «غالب بودن نظر خادم که جای خود را دارد. تفکرات آقای خادم غالب بر همه هست. البته شوخی می‌کنم. در زمان‌های لازم شورای فنی تشکیل می‌شود و اگر ۴ نفر از آن‌ها صحت یک موضوع را تایید کنند، خادم هم قهر چیز چیزی نمی‌گوید. البته نمی‌تواند که بگوید چون شورا تصمیم گرفته ولی بعضی مواقع اعمال نفوذمی‌کند.»(می‌خندد)

■ **در مرحله نهایی انتخابی باید دید تبع من بیشتر می‌برد یا خادم**

به بنا می‌گوییم هدف ما هم این است که بدانیم خادم در تصمیمات شورای فنی اعمال نفوذ می‌کند یا خیر و اگر این‌طور است، شما چطور با این اعمال نفوذ کنار می‌آیید؟ چون چنین شخصیتی ندارید، او می‌گوید: «بعد از المپیک لندن و طی ۳ سال و نیم گذشته همه جور مربی و سرمربی آمدند و رفتند. ۳ سال و نیم تمام وقت تلف شد. آخر چه شد؟ دیدند که چارهای ندارند و دوباره به سراغ من آمدند. آن هم در این موقعیت حساس. لذا تشخیص داده شد در این موقعیت حساس باید با هم تعامل داشته باشیم. یک مقدار از طرف من، یک مقدار هم از طرف آن‌ها تا مشکلی پیش نیاید. شکر خدا تا الان هم مشکلی پیش نیامده. اما یادتان باشد از این بعدش حساس می‌شود. چون ابتدا مسابقات گزینشی را در پیش داریم و بعد از آن فدراسیونی‌ها می‌خواهند فرآیند نهایی انتخابی را درنظر بگیرند. آن‌جا دیگر موقعیتی است که باید ببینیم تبع چه کسی بیشتر می‌برد و زورش بیشتر می‌رسد.»

■ **این بار اگر قهر کنیم مردم مرا می‌کشند**

اما آیا بسا در مرحله نهایی انتخابی زیر بار فرآیند مدنظر فدراسیون می‌رود؟ خودش می‌گوید: «اگر در یک موقعیت زمانی خاص کاری به نفع کشتی باشد، حتی اگر به من بگویند ۱۰ نفر را هم جابه‌جا کن می‌گویم، چشم. نوکرانم هستند. من با تفکراتم زندگی می‌کنم. تفکراتم تفکرات جامطلبانه‌هاست اما من‌ه جامطلبانه شخصی. تفکرات جامطلبانه‌ای بوده که کشتی فرنگی را به این نقطه رسانده. سعی می‌کنم افراد را با دلایل منطقی قانع کنم که انجام می‌دهی از کارها در این مقطع از زمان به نفع‌مان است. فکر هم می‌کنم هر آدمی که عقل داشته باشد، حرف منطقی را قبول می‌کند.» به بنا می‌گوییم اگر حرف منطقی‌تان مورد قبول واقع نشد چه می‌کنید، می‌گوید: «با سر می‌روم توی دیوار.» به او می‌گوییم یعنی قهر نمی‌کنید که می‌گوید: «قهر نمی‌کنم. اگر این بار قهر کنم فکر می‌کنم مردم به در خانه‌ام بیایند و مرا بکشند. واقعا می‌گویم، چون سری قبل در زمان برگزاری مسابقات جهانی اصلا من طوری نرفتم که شرایط به‌هم ریخته شود. مربیان را گذاشتم ماندند و به کشتی‌گیرانم هم گفتم بمانند. ما که رفتیم اوضاع به‌هم ریخت و همه کاسه‌کوزه‌ها را سر من خراب کردند طوری که تا یک سال کسی جرأت نداشت اسام مرا به زبان بیاورد. مرا به عنوان خاکنی جلوه دادند که

دست در زمان برگزاری مسابقات جام‌جهانی تهران، آن هم در شرایطی که تیم‌های خارجی به ایران آمده بودند، تیم ملی را رها کرده‌ام. الان در آستانه المپیک ریزو اگر بزنند ۱۰۰ جای سرم را هم بشکنند، می‌گویم بیایند همه سرم را بشکنند اما من جایی نمی‌روم.»

■ **اختیارات را گرفتند من هم رفتم**

اما این که چه شد محمد بنا علی‌رغم این‌که به احمدی‌نژاد رئیس‌جمهوری وقت ایران قول داده بود در راس سرمربی‌گری تیم ملی کشتی فرنگی بماند، اما به یکباره تصمیم به رفتن گرفت، موضوعی است که بنا در توضیح آن می‌گوید: «در آن زمان حرفی از رفتن و قهر من نبود. تازه المپیک لندن برگزار شده بود و قبل از المپیک من اعلام کرده بودم که آدم‌های بزرگی را کنار خودم داشتم و فکر می‌کنم اگر من بخوام بروم، این آدم‌ها بتوانند تیم ملی را اداره کنند. گفتم بعد از ۱۲،۱۰ سال که کار کرده‌ام، دیگر خسته شده‌ام و می‌خواهم کنار بنشینم و لذت ببرم. اصلا آن زمان حرفی از قهر نبود که قهر کنم. این مصاحبه را آقای احمدی‌نژاد شنیده بود که طی مراسم تقدیر از مدال‌آوران المپیک به من در بزرگزار شده بود و قبل از المپیک من اعلام کرده بودم که آدم‌های بزرگی را کنار خودم داشتم و فکر می‌کنم اگر من بخوام بروم، این آدم‌ها بتوانند تیم ملی را اداره کنند. گفتم بعد از ۱۲،۱۰ سال که کار کرده‌ام، دیگر خسته شده‌ام و می‌خواهم کنار بنشینم و لذت ببرم. اصلا آن زمان حرفی از قهر نبود که قهر کنم. این مصاحبه را آقای احمدی‌نژاد شنیده بود که طی مراسم تقدیر از مدال‌آوران المپیک به من در بزرگزار شده بود و قبل از المپیک من اعلام کرده بودم که آدم‌های بزرگی را کنار خودم داشتم و فکر می‌کنم اگر من بخوام بروم، این آدم‌ها بتوانند تیم ملی را اداره کنند. گفتم بعد از ۱۲،۱۰ سال که کار کرده‌ام، دیگر خسته شده‌ام و می‌خواهم کنار بنشینم و لذت ببرم. اصلا آن زمان حرفی از قهر نبود که قهر کنم. این مصاحبه را آقای احمدی‌نژاد شنیده بود که طی مراسم تقدیر از مدال‌آوران المپیک به من در بزرگزار شده بود و قبل از المپیک من اعلام کرده بودم که آدم‌های بزرگی را کنار خودم داشتم و فکر می‌کنم اگر من بخوام بروم، این آدم‌ها بتوانند تیم ملی را اداره کنند. گفتم بعد از ۱۲،۱۰ سال که کار کرده‌ام، دیگر خسته شده‌ام و می‌خواهم کنار بنشینم و لذت ببرم. اصلا آن زمان حرفی از قهر نبود که قهر کنم. این مصاحبه را آقای احمدی‌نژاد شنیده بود که طی مراسم تقدیر از مدال‌آوران المپیک به من در بزرگزار شده بود و قبل از المپیک من اعلام کرده بودم که آدم‌های بزرگی را کنار خودم داشتم و فکر می‌کنم اگر من بخوام بروم، این آدم‌ها بتوانند تیم ملی را اداره کنند. گفتم بعد از ۱۲،۱۰ سال که کار کرده‌ام، دیگر خسته شده‌ام و می‌خواهم کنار بنشینم و لذت ببرم. اصلا آن زمان حرفی از قهر نبود که قهر کنم. این مصاحبه را آقای احمدی‌نژاد شنیده بود که طی مراسم تقدیر از مدال‌آوران المپیک به من در بزرگزار شده بود و قبل از المپیک من اعلام کرده بودم که آدم‌های بزرگی را کنار خودم داشتم و فکر می‌کنم اگر من بخوام بروم، این آدم‌ها بتوانند تیم ملی را اداره کنند. گفتم بعد از ۱۲،۱۰ سال که کار کرده‌ام، دیگر خسته شده‌ام و می‌خواهم کنار بنشینم و لذت ببرم. اصلا آن زمان حرفی از قهر نبود که قهر کنم. این مصاحبه را آقای احمدی‌نژاد شنیده بود که طی مراسم تقدیر از مدال‌آوران المپیک به من در بزرگزار شده بود و قبل از المپیک من اعلام کرده بودم که آدم‌های بزرگی را کنار خودم داشتم و فکر می‌کنم اگر من بخوام بروم، این آدم‌ها بتوانند تیم ملی را اداره کنند. گفتم بعد از ۱۲،۱۰ سال که کار کرده‌ام، دیگر خسته شده‌ام و می‌خواهم کنار بنشینم و لذت ببرم. اصلا آن زمان حرفی از قهر نبود که قهر کنم. این مصاحبه را آقای احمدی‌نژاد شنیده بود که طی مراسم تقدیر از مدال‌آوران المپیک به من در بزرگزار شده بود و قبل از المپیک من اعلام کرده بودم که آدم‌های بزرگی را کنار خودم داشتم و فکر می‌کنم اگر من بخوام بروم، این آدم‌ها بتوانند تیم ملی را اداره کنند. گفتم بعد از ۱۲،۱۰ سال که کار کرده‌ام، دیگر خسته شده‌ام و می‌خواهم کنار بنشینم و لذت ببرم. اصلا آن زمان حرفی از قهر نبود که قهر کنم. این مصاحبه را آقای احمدی‌نژاد شنیده بود که طی مراسم تقدیر از مدال‌آوران المپیک به من در بزرگزار شده بود و قبل از المپیک من اعلام کرده بودم که آدم‌های بزرگی را کنار خودم داشتم و فکر می‌کنم اگر من بخوام بروم، این آدم‌ها بتوانند تیم ملی را اداره کنند. گفتم بعد از ۱۲،۱۰ سال که کار کرده‌ام، دیگر خسته شده‌ام و می‌خواهم کنار بنشینم و لذت ببرم. اصلا آن زمان حرفی از قهر نبود که قهر کنم. این مصاحبه را آقای احمدی‌نژاد شنیده بود که طی مراسم تقدیر از مدال‌آوران المپیک به من در بزرگزار شده بود و قبل از المپیک من اعلام کرده بودم که آدم‌های بزرگی را کنار خودم داشتم و فکر می‌کنم اگر من بخوام بروم، این آدم‌ها بتوانند تیم ملی را اداره کنند. گفتم بعد از ۱۲،۱۰ سال که کار کرده‌ام، دیگر خسته شده‌ام و می‌خواهم کنار بنشینم و لذت ببرم. اصلا آن زمان حرفی از قهر نبود که قهر کنم. این مصاحبه را آقای احمدی‌نژاد شنیده بود که طی مراسم تقدیر از مدال‌آوران المپیک به من در بزرگزار شده بود و قبل از المپیک من اعلام کرده بودم که آدم‌های بزرگی را کنار خودم داشتم و فکر می‌کنم اگر من بخوام بروم، این آدم‌ها بتوانند تیم ملی را اداره کنند. گفتم بعد از ۱۲،۱۰ سال که کار کرده‌ام، دیگر خسته شده‌ام و می‌خواهم کنار بنشینم و لذت ببرم. اصلا آن زمان حرفی از قهر نبود که قهر کنم. این مصاحبه را آقای احمدی‌نژاد شنیده بود که طی مراسم تقدیر از مدال‌آوران المپیک به من در بزرگزار شده بود و قبل از المپیک من اعلام کرده بودم که آدم‌های بزرگی را کنار خودم داشتم و فکر می‌کنم اگر من بخوام بروم، این آدم‌ها بتوانند تیم ملی را اداره کنند. گفتم بعد از ۱۲،۱۰ سال که کار کرده‌ام، دیگر خسته شده‌ام و می‌خواهم کنار بنشینم و لذت ببرم. اصلا آن زمان حرفی از قهر نبود که قهر کنم. این مصاحبه را آقای احمدی‌نژاد شنیده بود که طی مراسم تقدیر از مدال‌آوران المپیک به من در بزرگزار شده بود و قبل از المپیک من اعلام کرده بودم که آدم‌های بزرگی را کنار خودم داشتم و فکر می‌کنم اگر من بخوام بروم، این آدم‌ها بتوانند تیم ملی را اداره کنند. گفتم بعد از ۱۲،۱۰ سال که کار کرده‌ام، دیگر خسته شده‌ام و می‌خواهم کنار بنشینم و لذت ببرم. اصلا آن زمان حرفی از قهر نبود که قهر کنم. این مصاحبه را آقای احمدی‌نژاد شنیده بود که طی مراسم تقدیر از مدال‌آوران المپیک به من در بزرگزار شده بود و قبل از المپیک من اعلام کرده بودم که آدم‌های بزرگی را کنار خودم داشتم و فکر می‌کنم اگر من بخوام بروم، این آدم‌ها بتوانند تیم ملی را اداره کنند. گفتم بعد از ۱۲،۱۰ سال که کار کرده‌ام، دیگر خسته شده‌ام و می‌خواهم کنار بنشینم و لذت ببرم. اصلا آن زمان حرفی از قهر نبود که قهر کنم. این مصاحبه را آقای احمدی‌نژاد شنیده بود که طی مراسم تقدیر از مدال‌آوران المپیک به من در بزرگزار شده بود و قبل از المپیک من اعلام کرده بودم که آدم‌های بزرگی را کنار خودم داشتم و فکر می‌کنم اگر من بخوام بروم، این آدم‌ها بتوانند تیم ملی را اداره کنند. گفتم بعد از ۱۲،۱۰ سال که کار کرده‌ام، دیگر خسته شده‌ام و می‌خواهم کنار بنشینم و لذت ببرم. اصلا آن زمان حرفی از قهر نبود که قهر کنم. این مصاحبه را آقای احمدی‌نژاد شنیده بود که طی مراسم تقدیر از مدال‌آوران المپیک به من در بزرگزار شده بود و قبل از المپیک من اعلام کرده بودم که آدم‌های بزرگی را کنار خودم داشتم و فکر می‌کنم اگر من بخوام بروم، این آدم‌ها بتوانند تیم ملی را اداره کنند. گفتم بعد از ۱۲،۱۰ سال که کار کرده‌ام، دیگر خسته شده‌ام و می‌خواهم کنار بنشینم و لذت ببرم. اصلا آن زمان حرفی از قهر نبود که قهر کنم. این مصاحبه را آقای احمدی‌نژاد شنیده بود که طی مراسم تقدیر از مدال‌آوران المپیک به من در بزرگزار شده بود و قبل از المپیک من اعلام کرده بودم که آدم‌های بزرگی را کنار خودم داشتم و فکر می‌کنم اگر من بخوام بروم، این آدم‌ها بتوانند تیم ملی را اداره کنند. گفتم بعد از ۱۲،۱۰ سال که کار کرده‌ام، دیگر خسته شده‌ام و می‌خواهم کنار بنشینم و لذت ببرم. اصلا آن زمان حرفی از قهر نبود که قهر کنم. این مصاحبه را آقای احمدی‌نژاد شنیده بود که طی مراسم تقدیر از مدال‌آوران المپیک به من در بزرگزار شده بود و قبل از المپیک من اعلام کرده بودم که آدم‌های بزرگی را کنار خودم داشتم و فکر می‌کنم اگر من بخوام بروم، این آدم‌ها بتوانند تیم ملی را اداره کنند. گفتم بعد از ۱۲،۱۰ سال که کار کرده‌ام، دیگر خسته شده‌ام و می‌خواهم کنار بنشینم و لذت ببرم. اصلا آن زمان حرفی از قهر نبود که قهر کنم. این مصاحبه را آقای احمدی‌نژاد شنیده بود که طی مراسم تقدیر از مدال‌آوران المپیک به من در بزرگزار شده بود و قبل از المپیک من اعلام کرده بودم که آدم‌های بزرگی را کنار خودم داشتم و فکر می‌کنم اگر من بخوام بروم، این آدم‌ها بتوانند تیم ملی را اداره کنند. گفتم بعد از ۱۲،۱۰ سال که کار کرده‌ام، دیگر خسته شده‌ام و می‌خواهم کنار بنشینم و لذت ببرم. اصلا آن زمان حرفی از قهر نبود که قهر کنم. این مصاحبه را آقای احمدی‌نژاد شنیده بود که طی مراسم تقدیر از مدال‌آوران المپیک به من در بزرگزار شده بود و قبل از المپیک من اعلام کرده بودم که آدم‌های بزرگی را کنار خودم داشتم و فکر می‌کنم اگر من بخوام بروم، این آدم‌ها بتوانند تیم ملی را اداره کنند. گفتم بعد از ۱۲،۱۰ سال که کار کرده‌ام، دیگر خسته شده‌ام و می‌خواهم کنار بنشینم و لذت ببرم. اصلا آن زمان حرفی از قهر نبود که قهر کنم. این مصاحبه را آقای احمدی‌نژاد شنیده بود که طی مراسم تقدیر از مدال‌آوران المپیک به من در بزرگزار شده بود و قبل از المپیک من اعلام کرده بودم که آدم‌های بزرگی را کنار خودم داشتم و فکر می‌کنم اگر من بخوام بروم، این آدم‌ها بتوانند تیم ملی را اداره کنند. گفتم بعد از ۱۲،۱۰ سال که کار کرده‌ام، دیگر خسته شده‌ام و می‌خواهم کنار بنشینم و لذت ببرم. اصلا آن زمان حرفی از قهر نبود که قهر کنم. این مصاحبه را آقای احمدی‌نژاد شنیده بود که طی مراسم تقدیر از مدال‌آوران المپیک به من در بزرگزار شده بود و قبل از المپیک من اعلام کرده بودم که آدم‌های بزرگی را کنار خودم داشتم و فکر می‌کنم اگر من بخوام بروم، این آدم‌ها بتوانند تیم ملی را اداره کنند. گفتم بعد از ۱۲،۱۰ سال که کار کرده‌ام، دیگر خسته شده‌ام و می‌خواهم کنار بنشینم و لذت ببرم. اصلا آن زمان حرفی از قهر نبود که قهر کنم. این مصاحبه را آقای احمدی‌نژاد شنیده بود که طی مراسم تقدیر از مدال‌آوران المپیک به من در بزرگزار شده بود و قبل از المپیک من اعلام کرده بودم که آدم‌های بزرگی را کنار خودم داشتم و فکر می‌کنم اگر من بخوام بروم، این آدم‌ها بتوانند تیم ملی را اداره کنند. گفتم بعد از ۱۲،۱۰ سال که کار کرده‌ام، دیگر خسته شده‌ام و می‌خواهم کنار بنشینم و لذت ببرم. اصلا آن زمان حرفی از قهر نبود که قهر کنم. این مصاحبه را آقای احمدی‌نژاد شنیده بود که طی مراسم تقدیر از مدال‌آوران المپیک به من در بزرگزار شده بود و قبل از المپیک من اعلام کرده بودم که آدم‌های بزرگی را کنار خودم داشتم و فکر می‌کنم اگر من بخوام بروم، این آدم‌ها بتوانند تیم ملی را اداره کنند. گفتم بعد از ۱۲،۱۰ سال که کار کرده‌ام، دیگر خسته شده‌ام و می‌خواهم کنار بنشینم و لذت ببرم. اصلا آن زمان حرفی از قهر نبود که قهر کنم. این مصاحبه را آقای احمدی‌نژاد شنیده بود که طی مراسم تقدیر از مدال‌آوران المپیک به من در بزرگزار شده بود و قبل از المپیک من اعلام کرده بودم که آدم‌های بزرگی را کنار خودم داشتم و فکر می‌کنم اگر من بخوام بروم، این آدم‌ها بتوانند تیم ملی را اداره کنند. گفتم بعد از ۱۲،۱۰ سال که کار کرده‌ام، دیگر خسته شده‌ام و می‌خواهم کنار بنشینم و لذت ببرم. اصلا آن زمان حرفی از قهر نبود که قهر کنم. این مصاحبه را آقای احمدی‌نژاد شنیده بود که طی مراسم تقدیر از مدال‌آوران المپیک به من در بزرگزار شده بود و قبل از المپیک من اعلام کرده بودم که آدم‌های بزرگی را کنار خودم داشتم و فکر می‌کنم اگر من بخوام بروم، این آدم‌ها بتوانند تیم ملی را اداره کنند. گفتم بعد از ۱۲،۱۰ سال که کار کرده‌ام، دیگر خسته شده‌ام و می‌خواهم کنار بنشینم و لذت ببرم. اصلا آن زمان حرفی از قهر نبود که قهر کنم. این مصاحبه را آقای احمدی‌نژاد شنیده بود که طی مراسم تقدیر از مدال‌آوران المپیک به من در بزرگزار شده بود و قبل از المپیک من اعلام کرده بودم که آدم‌های بزرگی را کنار خودم داشتم و فکر می‌کنم اگر من بخوام بروم، این آدم‌ها بتوانند تیم ملی را اداره کنند. گفتم بعد از ۱۲،۱۰ سال که کار کرده‌ام، دیگر خسته شده‌ام و می‌خواهم کنار بنشینم و لذت ببرم. اصلا آن زمان حرفی از قهر نبود که قهر کنم. این مصاحبه را آقای احمدی‌نژاد شنیده بود که طی مراسم تقدیر از مدال‌آوران المپیک به من در بزرگزار شده بود و قبل از المپیک من اعلام کرده بودم که آدم‌های بزرگی را کنار خودم داشتم و فکر می‌کنم اگر من بخوام بروم، این آدم‌ها بتوانند تیم ملی را اداره کنند. گفتم بعد از ۱۲،۱۰ سال که کار کرده‌ام، دیگر خسته شده‌ام و می‌خواهم کنار بنشینم و لذت ببرم. اصلا آن زمان حرفی از قهر نبود که قهر کنم. این مصاحبه را آقای احمدی‌نژاد شنیده بود که طی مراسم تقدیر از مدال‌آوران المپیک به من در بزرگزار شده بود و قبل از المپیک من اعلام کرده بودم که آدم‌های بزرگی را کنار خودم داشتم و فکر می‌کنم اگر من بخوام بروم، این آدم‌ها بتوانند تیم ملی را اداره کنند. گفتم بعد از ۱۲،۱۰ سال که کار کرده‌ام، دیگر خسته شده‌ام و می‌خواهم کنار بنشینم و لذت ببرم. اصلا آن زمان حرفی از قهر نبود که قهر کنم. این مصاحبه را آقای احمدی‌نژاد شنیده بود که طی مراسم تقدیر از مدال‌آوران المپیک به من در بزرگزار شده بود و قبل از المپیک من اعلام کرده بودم که آدم‌های بزرگی را کنار خودم داشتم و فکر می‌کنم اگر من بخوام بروم، این آدم‌ها بتوانند تیم ملی را اداره کنند. گفتم بعد از ۱۲،۱۰ سال که کار کرده‌ام، دیگر خسته شده‌ام و می‌خواهم کنار بنشینم و لذت ببرم. اصلا آن زمان حرفی از قهر نبود که قهر کنم. این مصاحبه را آقای احمدی‌نژاد شنیده بود که طی مراسم تقدیر از مدال‌آوران المپیک به من در بزرگزار شده بود و قبل از المپیک من اعلام کرده بودم که آدم‌های بزرگی را کنار خودم داشتم و فکر می‌کنم اگر من بخوام بروم، این آدم‌ها بتوانند تیم ملی را اداره کنند. گفتم بعد از ۱۲،۱۰ سال که کار کرده‌ام، دیگر خسته شده‌ام و می‌خواهم کنار بنشینم و لذت ببرم. اصلا آن زمان حرفی از قهر نبود که قهر کنم. این مصاحبه را آقای احمدی‌نژاد شنیده بود که طی مراسم تقدیر از مدال‌آوران المپیک به من در بزرگزار شده بود و قبل از المپیک من اعلام کرده بودم که آدم‌های بزرگی را کنار خودم داشتم و فکر می‌کنم اگر من بخوام بروم، این آدم‌ها بتوانند تیم ملی را اداره کنند. گفتم بعد از ۱۲،۱۰ سال که کار کرده‌ام، دیگر خسته شده‌ام و می‌خواهم کنار بنشینم و لذت ببرم. اصلا آن زمان حرفی از قهر نبود که قهر کنم. این مصاحبه را آقای احمدی‌نژاد شنیده بود که طی مراسم تقدیر از مدال‌آوران المپیک به من در بزرگزار شده بود و قبل از المپیک من اعلام کرده بودم که آدم‌های بزرگی را کنار خودم داشتم و فکر می‌کنم اگر من بخوام بروم، این آدم‌ها بتوانند تیم ملی را اداره کنند. گفتم بعد از ۱۲،۱۰ سال که کار کرده‌ام، دیگر خسته شده‌ام و می‌خواهم کنار بنشینم و لذت ببرم. اصلا آن زمان حرفی از قهر نبود که قهر کنم. این مصاحبه را آقای احمدی‌نژاد شنیده بود که طی مراسم تقدیر از مدال‌آوران المپیک به من در بزرگزار شده بود و قبل از المپیک من اعلام کرده بودم که آدم‌های بزرگی را کنار خودم داشتم و فکر می‌کنم اگر من بخوام بروم، این آدم‌ها بتوانند تیم ملی را اداره کنند. گفتم بعد از ۱۲،۱۰ سال که کار کرده‌ام، دیگر خسته شده‌ام و می‌خواهم کنار بنشینم و لذت ببرم. اصلا آن زمان حرفی از قهر نبود که قهر کنم. این مصاحبه را آقای احمدی‌نژاد شنیده بود که طی مراسم تقدیر از مدال‌آوران المپیک به من در بزرگزار شده بود و قبل از المپیک من اعلام کرده بودم که آدم‌های بزرگی را کنار خودم داشتم و فکر می‌کنم اگر من بخوام بروم، این آدم‌ها بتوانند تیم ملی را اداره کنند. گفتم بعد از ۱۲،۱۰ سال که کار کرده‌ام، دیگر خسته شده‌ام و می‌خواهم کنار بنشینم و لذت ببرم. اصلا آن زمان حرفی از قهر نبود که قهر کنم. این مصاحبه را آقای احمدی‌نژاد شنیده بود که طی مراسم تقدیر از مدال‌آوران المپیک به من در بزرگزار شده بود و قبل از المپیک من اعلام کرده بودم که آدم‌های بزرگی را کنار خودم داشتم و فکر می‌کنم اگر من بخوام بروم، این آدم‌ها بتوانند تیم ملی را اداره کنند. گفتم بعد از ۱۲،۱۰ سال که کار کرده‌ام، دیگر خسته شده‌ام و می‌خواهم کنار بنشینم و لذت ببرم. اصلا آن زمان حرفی از قهر نبود که قهر کنم. این مصاحبه را آقای احمدی‌نژاد شنیده بود که طی مراسم تقدیر از مدال‌آوران المپیک به من در بزرگزار شده بود و قبل از المپیک من اعلام کرده بودم که آدم‌های بزرگی را کنار خودم داشتم و فکر می‌کنم اگر من بخوام بروم، این آدم‌ها بتوانند تیم ملی را اداره کنند. گفتم بعد از ۱۲،۱۰ سال که کار کرده‌ام، دیگر خسته شده‌ام و می‌خواهم کنار بنشینم و لذت ببرم. اصلا آن زمان حرفی از قهر نبود که قهر کنم. این مصاحبه را آقای احمدی‌نژاد شنیده بود که طی مراسم تقدیر از مدال‌آوران المپیک به من در بزرگزار شده بود و قبل از المپیک من اعلام کرده بودم که آدم‌های بزرگی را کنار خودم داشتم و فکر می‌کنم اگر من بخوام بروم، این آدم‌ها بتوانند تیم ملی را اداره کنند. گفتم بعد از ۱۲،۱۰ سال که کار کرده‌ام، دیگر خسته شده‌ام و می‌خواهم کنار بنشینم و لذت ببرم. اصلا آن زمان حرفی از قهر نبود که قهر کنم. این مصاحبه را آقای احمدی‌نژاد شنیده بود که طی مراسم تقدیر از مدال‌آوران المپیک به من در بزرگزار شده بود و قبل از المپیک من اعلام کرده بودم که آدم‌های بزرگی را کنار خودم داشتم و فکر می‌کنم اگر من بخوام بروم، این آدم‌ها بتوانند تیم ملی را اداره کنند. گفتم بعد از ۱۲،۱۰ سال که کار کرده‌ام، دیگر خسته شده‌ام و می‌خواهم کنار بنشینم و لذت ببرم. اصلا آن زمان حرفی